

● تحلیل‌ها و گزارش‌ها

تحلیلی بر دکترین امنیتی اسرائیل

اهداف راهبردی به وضوح دوباره تعریف شوند. با توجه به این تحولات و نگرش‌ها است که اسرائیل لزوم انجام تغییراتی را در دکترین امنیتی کشور اجتناب‌ناپذیر دانسته است. نوشته‌ی حاضر به تحلیل این موضوع می‌پردازد. از اولین روزهای تشکیل دولت اسرائیل تا جنگ رمضان (یوم‌کپور) در سال ۱۹۷۳ سیاست‌های امنیتی که توسط دولت‌های مختلف آن کشور به مورد اجرا درآمدند براساس این اصول استوار بوده‌است:

- مسلح کردن کشور؛
- دفاع راهبردی و تهاجم عملیاتی؛
- جنگ‌های کوتاه مدت برای هدف‌های محدود؛
- تأکید بر کیفیت به جای کمیت؛
- خود اتکایی؛
- جست‌وجو نمودن ارباب و حامی

پایان جنگ سرد، جنگ خلیج فارس، نامعلوم بودن روند صلح و دست‌یابی برخی کشورهای منطقه به موشک‌های دوربرد و سلاح‌های انهدام جمعی از جمله عواملی هستند که به عقیده‌ی استراتژیست‌ها و سیاست‌مداران اسرائیل، چالش‌های جدیدی را فراروی آن کشور قرار داده‌اند. آنان دکترین امنیتی اسرائیل را مورد انتقاد قرار داده و معتقدند که تداوم وضعیت گذشته می‌تواند کشور را در معرض تهدیدات سلاح‌های انهدام جمعی و موشکی کشورهای منطقه قرار دهد. به نظر ایشان دکترین موجود باید روز آمد شده و پاسخگویی تهدیداتی باشد که علیه اسرائیل در حال شکل‌گیری است. به باور این استراتژیست‌ها، اسرائیل دیگر امکان نیل به یک پیروزی قاطع را بر دشمنان خود ندارد، لذا دکترین امنیتی باید مورد تجدید نظر قرار گرفته و

ابرقدرت و غیره.

کشورهای روسیه، چین و کره شمالی تا حدود زیادی کارایی خود را از دست داد و لذا اکنون اسرائیل به این نتیجه رسیده‌است که باید دکترین امنیتی خود را با واقعیت‌های در حال ظهور تطبیق دهد. در این راستا سه رویکرد شامل تقویت بازدارندگی متقابل، راهبردهای دفاعی و اتحادهای منطقه‌ی مدنظر استراتژیست‌های اسرائیل بوده‌است که در زیر بررسی می‌شود:

الف) تقویت بازدارندگی متقابل

برای سال‌های متمادی، بازدارندگی متعارف و اتمی ویژگی برجسته‌ی دکترین امنیتی اسرائیل بوده‌است. این کشور از سال ۱۹۴۸ به طور مداوم بر سیاست‌های بازدارندگی برای جلوگیری از حملات خارجی تأکید ورزیده‌است. چون مرزهای محدود و جمعیت اندک، اسرائیل را از منظر کشورهای به اصطلاح دشمن، زخم‌پذیر نشان داده و آنان را به حمله تشویق می‌کند، لذا از همان آغاز، رهبران اسرائیل نسبت به ایجاد یک ارتش قدرتمند که قادر به دفاع از کشور بوده و با هدایت جنگ به داخل خاک کشور متجاوز به مقابله با تهدیدات بپردازد، تأکید می‌نمودند. بعد از جنگ‌های ۶۷ و ۷۳، فقدان جنگ‌های عمده (به استثنای مورد لبنان در سال ۱۹۸۲) تا حدودی مؤید اعمال

در طی این سال‌ها، اسرائیل بر ترکیبی از حمله‌ی بازدارنده، بازدارندگی متعارف و تفوق کیفی در مقابله با امتیازات و مزیت‌های کمی اعراب متکی بود. از دهه‌ی ۱۹۶۰ به بعد به توانایی‌های موجود اسرائیل، قدرت اتمی نیز به عنوان آخرین سلاحی که آن کشور در صورت لزوم به آن متوسل خواهد شد، اضافه گردید. گرچه امروزه خطرات حملات گسترده‌ی متعارفی که بقا و موجودیت اسرائیل را در طول سال‌های ۱۹۴۸ تا ۱۹۷۳ مورد تهدید قرار می‌داد، کاهش یافته‌اند، اما اینک آن کشور موضوع دست‌یابی برخی از کشورهای منطقه به موشک‌های دوربرد و سلاح‌های کشتار و انهدام جمعی را برای خود خطری جدی تلقی می‌کند و این امر محملی در جهت بازنگری و تغییر در دکترین امنیتی گذشته بوده‌است.

تا قبل از تحولات دهه‌ی جاری (۹۰) سیاست‌های محدودکننده و نظارتی آمریکا به عنوان اهمی در زمینه‌ی کنترل صادرات موشک‌های دوربرد و سلاح‌های انهدام جمعی عمل می‌کرد و روند استفاده از این تسلیحات را کند کرده بود اما در دهه‌ی یاد شده و به خصوص بعد از فروپاشی شوروی سابق این محدودیت‌ها به خاطر فروش این قبیل تسلیحات توسط

اسرائیل می‌باشد. به هر حال بسیاری از کشورهای عربی هنوز به اسرائیل به عنوان یک قدرت اتمی نگاه می‌کنند به گونه‌یی که از پایان عملیات طوفان صحرا هیچ کشور عربی نتوانسته است با برتری راهبردی اسرائیل به چالش برخیزد.

اینک اسرائیل در پی تحولات اخیر نگران این مسأله است که اگر کشورهای دیگر منطقه به سلاح‌های اتمی دست یابند، در آن صورت موقعیت انحصاری آن کشور در این زمینه به خطر خواهد افتاد و لذا تقویت توان بازدارندگی اسرائیل ضروری است و این مسأله به عنوان محور اساسی دکترین امنیتی اسرائیل در چارچوب مقابله با دست‌یابی کشورهای منطقه به سلاح‌های انهدام جمعی و موشک‌های دوربرد، دیده می‌شود. البته شرایط جاری ممکن است رهبران اسرائیل را مجبور به ارزیابی مجدد در ژست ابهام اتمی آن کشور نماید.

ب) راهبردهای دفاعی

تا چند سال پیش از سوی اسرائیل در زمینه‌ی سیاست‌های دفاعی آن کشور سرمایه‌گذاری قابل توجهی نشده و منابع زیادی به این امر اختصاص نیافته بود. زیرا استراتژیست‌های آن کشور بر این باور بودند که

سیاست بازدارندگی بود، به ویژه بعد از جنگ ۱۹۷۳ که در این دوران به قول اسحاق رابین نخست وزیر پیشین، اسرائیل یکی از خطرناک‌ترین دوران تاریخ خود را پشت سر می‌گذاشت.

به عقیده‌ی رابین روابط خارجی اسرائیل در آن زمان فروپاشیده و فقط یک دولت یعنی آمریکا در تمام جهان برای اسرائیل باقی مانده بود. براساس تحلیل رابین در این برهه تنها قدرت و توان نظامی کشور که بازدارندگی مناسبی فراهم آورده بود، ضامن بقای اسرائیل بود. در این رابطه اسرائیلی‌ها مدعی هستند که بازدارندگی اتمی موجب شد که مصر در سال ۱۹۷۳ از یک حمله‌ی محدود به اسرائیل پای فراتر نگذارد و ترس و واهمه‌ی صدام از تلافی‌جویی گسترده‌ی اسرائیل موجب شد که عراق از به کارگیری سلاح‌های شیمیایی یا میکروبی خود علیه اسرائیل قبل و یا در طول جنگ خلیج فارس خودداری ورزد. در طی سال‌های مذکور تمام دولت‌های اسرائیل ترجیح می‌دادند که به سیاست ابهام اتمی خود ادامه دهند و انتخاب یک ژست اتمی آشکار را برای افزایش بازدارندگی رد می‌کردند.

منطق موجود در ورای این سیاست آن بود که ابهام اتمی بیشتر در خدمت منافع

کوچکی سرزمین و ضرورت پایان یافتن سریع هر جنگی لزوم اتخاذ یک رویکرد تهاجمی را از سوی اسرائیل الزامی ساخته بود. در تعقیب این رویکرد، اسرائیل در تلاش بود جنگ پیش از آن که مردم اسرائیل در معرض خطرات آن قرار گیرند به داخل خاک کشور متخاصم کشیده شود. امروز نگرانی از دست‌یابی تعدادی از کشورهای منطقه به موشک‌های دوربرد و سلاح‌های انهدام جمعی در نگرش گذشته‌ی اسرائیل تغییر ایجاد نموده و آن کشور را متمایل به توسعه‌ی راهبردهای دفاعی نموده است.

برنامه‌های دفاع موشکی اسرائیل از جمله نظام دفاع موشکی AITOW و نظام رادارهای پیشرفته و نظایر اینها از جمله اقدام‌های انجام شده و در دست اجرا از سوی آن کشور در این راستا بوده‌اند. البته هیچ نوع نظام دفاعی نمی‌تواند حمایت کامل و صددرصد را ایجاد کند اما می‌تواند دفاعی را بالا برده و به توان بازدارندگی بیفزاید. با این حال کشور کوچکی چون اسرائیل با وجود این آمادگی‌ها در مقابل تهدیدهای اتمی کماکان آسیب‌پذیر است.

ج) اتحادهای منطقه‌یی

گسترش همکاری‌های منطقه‌یی سومین رویکرد در دکترین امنیتی اسرائیل

محسوب می‌شود. براین مبناست که بعد از تحولات سال‌های اخیر، توسعه‌ی روابط امنیتی منطقه‌یی و رشد شبکه‌ی وسیعی از همکاری‌ها میان اسرائیل و ترکیه از جمله تغییرات مهم در محیط امنیتی اسرائیل بوده است. بسیاری از مقام‌ها در جامعه‌ی امنیتی اسرائیل به روابط راهبردی دو کشور به عنوان عاملی در جهت پایان دادن به چند دهه انزوای منطقه‌یی اسرائیل می‌نگرند. گرچه اسرائیل و ترکیه رسماً اعلام کرده‌اند که همکاری بین آنها علیه هیچ کشوری در منطقه نمی‌باشد اما آشکار است که همکاری راهبردی آن دو کشور در مقابله با اتحاد راهبردی سوریه- ایران می‌باشد. اتحادی که در اسرائیل به آن به عنوان یک منبع نگرانی و بی‌ثباتی منطقه‌یی نگاه و توجه می‌شود. در هر صورت توسعه‌ی همکاری‌های اسرائیل و ترکیه آثار راهبردی مهم و فزاینده‌یی را برای دو کشور به ارمغان آورده است.

د) اجرای رویکردها

با توجه به اوضاع و احوال منطقه و بین‌الملل، رهبران اسرائیل ترجیح می‌دهند که در حد توان در اجرای دکترین امنیتی کشور به هر سه رویکرد یاد شده توسل جویند به این معنی که بازدارندگی متقابل و راهبردهای دفاعی

روابط آن کشور با ایالات متحده قطعاً کامل نخواهد بود. از نیمه‌ی دهه‌ی ۱۹۶۰ روابط دفاعی آمریکا و اسرائیل آغاز گردید. تعاملات دو کشور طیف وسیعی از همکاری‌ها را در این عرصه در برداشته و دو کشور پیوندهای راهبردی و روابط ویژه‌ی با یکدیگر دارند. اسرائیل بیشتر تسلیحات مورد نیاز خود و نیز قسمت اعظم فن‌آوری‌های بسیار پیشرفته را از آمریکا دریافت می‌کند. به علاوه آمریکا به منظور بالا بردن توان بازدارندگی اسرائیل، امکان استفاده از نظام‌های راهبردی مثل F-151 و Arrow و دیگر فن‌آوری‌های مشابه را به آن کشور داده‌است.

در نظر واشنگتن از زمان رویارویی آمریکا با عراق در سال‌های ۹۱-۱۹۹۰، تسلیحات انهدام جمعی و موشک‌های دوربرد به عنوان تهدیدی علیه امنیت آمریکا و دوستان و هم‌پیمانان آن کشور تلقی شده و برنامه‌های تسلیحاتی برخی کشورهای منطقه در این زمینه به عنوان منبع نگرانی جدی سیاستمداران آمریکایی در آمده‌است، با این وجود آمریکا برای جلوگیری و یا کندکردن فرایند راه‌یابی این گونه تسلیحات به کشورهای منطقه به طور جدی وارد عمل شده‌است. اسرائیلی‌ها هم طالب نقش قاطع آمریکا در این زمینه می‌باشند. به ویژه آن

همگام با اتحاد‌های منطقه‌ی توسعه‌یابند. البته اجرای هم‌زمان رویکرد اول و دوم به خاطر هزینه‌های بالای اجرای آن با محدودیت‌هایی مواجه است. مثلاً تحصیل و راه‌اندازی ماهواره‌های افق، هواپیماهای تهاجمی F-151، نظام دفاع موشکی بالستیک و نیز زیردریایی‌ها حتی با دریافت کمک‌های مالی از آمریکا نیز متضمن تحمیل هزینه‌ی هنگفتی بر بودجه دفاعی اسرائیل می‌باشد. به علاوه تأمین اعتبار این برنامه‌ها بعضاً با مخالفت‌هایی نیز روبه‌رو است.

مثلاً در سال ۱۹۹۷ نیروی دفاعی اسرائیل درخواست تأمین اعتبار برای انجام برنامه‌ی Arrow-2 نمود که ماهیتاً راهبردی و دارای ارزش‌های بلندمدت می‌باشد اما وزارت دفاع با این تقاضا، مخالفت کرد. در هر حال نیل به این رویکرد در شرایطی است که بودجه‌ی دفاعی اسرائیل در طی دهه‌ی گذشته به خاطر اجرای برنامه‌های رشد و توسعه‌ی اقتصادی، تغییر در اولویت‌ها و تأکید زیاد بر برنامه‌های توسعه‌ی اجتماعی کاهش یافته است.

ه) نقش آمریکا

تحلیل و تشریح محیط راهبردی اسرائیل بدون تأکید بر نقش و اهمیت کانونی

اسرائیل مداخلات واشنگتن را در این راستا کم‌رنگ ارزیابی نماید آن کشور قطعاً توجه و تمرکز بیشتر به اقدام‌های یک‌جانبه را در دستور دکتربین امنیتی خود قرار خواهد داد.

نتیجه

از سال ۱۹۷۳ در محیط امنیتی اسرائیل تغییرات قابل توجهی روی داده‌است. تحولات دهه‌ی جاری در سطح منطقه و بین‌المللی در تغییر محیط امنیتی اسرائیل نقش عمده‌ی داشته و روند آن را تندتر کرده‌است. از جمله دلایل این تغییرات افزایش توانایی‌های غیرمتعارف کشورهای منطقه بر توانایی‌های متعارف آنهاست که به صورت یک منبع نگرانی جدید برای اسرائیل درآمده و اثرات عمیقی بر محیط امنیتی آن کشور به جای گذاشته است. تا جایی که اسرائیل را به انجام تغییراتی در دکتربین امنیتی خود وادار نموده‌است. گرچه در این فرایند تغییر و تحول، برخی عناصر گذشته‌ی دکتربین امنیتی آن کشور، تداوم داشته و حضور دارند، با این وجود لزوم روزآمد کردن مداوم دکتربین مذکور و ارزیابی تعریفی دوباره از اهداف راهبردی با توجه به شرایط جدید ضرورتی حیاتی برای دولت اسرائیل می‌باشد. ضرورتی که در دوران پنجاه ساله‌ی حیات آن کشور با فراز

که روسیه درخصوص تداوم عرضی فن‌آوری‌های مربوط به تسلیحات انهدام جمعی و موشکی به برخی از کشورهای منطقه، جدی است و بعضی از رهبران آن کشور نیز مثل پریماکوف به این همکاری‌ها به عنوان وسیله‌ی افزایش قدرت روسیه در منطقه در پاسخ به توسعه‌ی ناتو و سایر عوامل نگاه می‌کنند. بنابراین اسرائیل خواهان اعمال فشار بیشتر آمریکا به روسیه است و قطع این همکاری‌ها را برای تأمین ثبات در خاورمیانه بسیار مهم و ضروری می‌داند. اسرائیل مدعی است که در غیر این صورت جنگ سرد دوباره به منطقه باز خواهد گشت.

در اسرائیل این نگرانی نیز در مورد نقش آمریکا وجود دارد. به این معنی که آن کشور علاقه‌مند به ایفای نقش قاطع و مقتدرانه در منطقه توسط آمریکا و اکنش شدیدتر آمریکا در برابر کشورهای نظیر روسیه، چین و کره شمالی درخصوص انتقال فن‌آوری سلاح‌های انهدام جمعی و موشکی به کشورهای منطقه است. این نگرانی، مقام‌های اسرائیل را در به دست آوردن توانایی‌های نظامی مستقل از آمریکا به عنوان رهیافتی جدید نسبت به مسأله به منظور پاسخ‌گویی به تهدیدات موجود ترغیب و تشویق نموده‌است. بدیهی است چنانچه

انتخابات آتی این کشور از میان نظامیان هستند. به نظر می‌رسد تا شرایط کنونی این کشور پابرجاست و تا زمانی که اسرائیل چون ۵۰ سال گذشته در کانون مناقشات خاورمیانه قرار دارد و طرف‌های مقابل اسرائیل برای پاسخ‌گویی به اسرائیل و توان بازدارندگی آن کشور، چاره‌ی در توسعه‌ی توان بازدارندگی خود نمی‌بینند، روند گذشته ادامه خواهد داشت. قطعاً این امر نتیجه‌ی جز تداوم آشکار بازی مجموعه‌ی صفر گذشته برای طرفین مناقشه در خاورمیانه با تمام خطرات مترقبه‌ی آن به همراه ندارد.

دکتر محمدرضا ملکی

و فرودهایی به خوبی احساس شده‌است. این شرایط موجب شده‌است که طی این مدت حفظ بقای کشور یهود در سرلوحه و دستور کار تمام دولت‌های اسرائیل قرار داشته باشد و سیاست‌ها و راهبردهای امنیتی- نظامی در آن کشور و تشکیلات مربوط به آنها از مهم‌ترین و کلیدی‌ترین مسایل و اولویت‌های هر دولت باشند. درباره‌ی این اهمیت خوب است گفته شود که از زمان تأسیس دولت اسرائیل تاکنون بسیاری از تصمیم‌گیرندگان سیاسی آن کشور در درون تأسیسات و تشکیلات دفاعی نشوونما کرده و در نهایت از آن مجرا به عرصه‌ی سیاست اسرائیل وارد شده‌اند و هم اکنون نیز بیشتر رقبای پست نخست وزیری اسرائیل در

شعبه‌ی پژوهش‌های علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی



پښتونستان د علومو او انساني مطالعاتو فریښی
پرتال جامع علوم انسانی